

---

## مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش

---

قاسم رضایی<sup>۱</sup>، الهام کاویانی<sup>۲\*</sup>، مریم اسلام پناه<sup>۳</sup>، سوسن لایی<sup>۴</sup>

ص.ص: ۲۵۰-۲۳۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۸

تاریخ تصویب: ۹۹/۱۰/۰۵

### چکیده

تحقیق حاضر با بررسی عوامل مؤثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش طراحی و اجرا گردید. تحقیق حاضر از جمله تحقیقات آمیخته می‌باشد که به صورت روش‌های کیفی و کمی انجام گردید. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل متخصصین کارآفرینی و کسب و کار، مدیران و صاحب‌نظران حوزه‌های آموزش و پرورش و همچنین اساتید دانشگاهی مرتبط با حوزه کارآفرینی و آموزش و پرورش می‌باشد. ابزار گردآوری تحقیق حاضر شامل پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. در قسمت تجزیه و تحلیل کمی تحقیق، از روش معادلات ساختاری با رویکرد پی‌ال‌اس استفاده شده‌است. نتایج کیفی تحقیق نشان داد که ۳۵ ویژگی از طریق مصاحبه‌های انجام شده استخراج گردید که این ویژگی‌ها در ۷ دسته نیاز شامل ملزومات استراتژیکی، زیرساخت‌های فنی، بسترهای مدیریتی، محتوای علمی و عملی، تسهیل قانون، ویژگی‌های انگیزشی و حمایت‌های دولتی دسته بندی گردیدند. نتایج تحقیق نشان داد که در میان عوامل شناسایی شده جهت توسعه مدارس کسب و کار، ویژگی‌های انگیزشی با میزان تاثیر ۰/۹۱۷ مهمترین نیاز مشخص گردیده است. همچنین نتایج تحقیق حاضر مشخص نمودند که حمایت‌های دولتی با میزان تاثیر ۰/۹۰۴ و همچنین محتوای علمی و عملی با میزان تاثیر ۰/۸۹۳ از جمله سایر عوامل مؤثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش، انگیزش، دولت، کارآفرینی، مدارس کسب و کار

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

[sport\\_education1987@yahoo.com](mailto:sport_education1987@yahoo.com)

۲. استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران نویسنده مسئول:

[kavyani\\_e@yahoo.com](mailto:kavyani_e@yahoo.com)

۳. استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

[eslampanah\\_m@yahoo.com](mailto:eslampanah_m@yahoo.com)

۴. استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران [laei\\_s@yahoo.com](mailto:laei_s@yahoo.com)

---

## Studying the Factors Affecting the Development of Business Schools

---

Ghasem Rezaei<sup>1</sup>, Elham Kavyanei<sup>2</sup>, Maryam Eslampanah<sup>3</sup>, Sosan Layei<sup>4</sup>

### Abstract

The present study was designed and implemented to investigate the factors affecting the development of business schools in Sport. The present research was mixed research carried out in qualitative and quantitative methods. The statistical population of the study includes entrepreneurship and business experts, administrators and experts in the field of education as well as university professors related to the field of entrepreneurship and education. The data gathering tool was a questionnaire and interview. In the quantitative analysis section, Structural Equation Method with Python approach is used. The qualitative research results showed that 35 characteristics were extracted through interviews, which included seven categories of needs. These needs are strategic requirements, technical infrastructure, managerial platforms, scientific and practical content, facilitation, motivational features and government support. The results of the research showed that among the identified factors for developing business schools, the motivational features were determined with the impact of 0.917 of the most important needs. Also, the results of this study showed that government support with an impact of 904/0 as well as scientific and practical content with an impact of 893/0 are among other factors affecting the development of business schools in Sport.

**Keywords:** Education, Motivation, Government, Entrepreneurship, Business Schools.

---

<sup>1</sup>. PhD student of educational management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran sport\_education1987@yahoo.com

<sup>2</sup>. Assistant Professor of Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran Corresponding Author\*: kavyani\_e@yahoo.com

<sup>3</sup>. Assistant Professor of Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran eslampanah\_m@yahoo.com

<sup>4</sup>. Assistant Professor of Educational Management, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran laei\_s@yahoo.com

## مقدمه

امروزه یکی از دغدغه های اصلی کشور حل معضل بیکاری است که به دلایل ساختاری از جمله افزایش عرضه نیروی کار، کمبود سرمایه گذاری، مهاجرت روستاییان به شهرها، افزایش نرخ مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی، افزایش فازغ التحصیلان دانشگاهی و جوانی جمعیت، بازار کار کشور با عدم توازن مواجه شده است (احسانی و همکاران، ۱۳۹۶). در این میان کسب و کارهای خرد از عوامل مهم اشتغال زایی به شمار می روند. از این رو امروزه توجه به این نوع از فعالیت ها افزایش یافته است. در بسیاری از کشورهای دنیا، شرکت ها و کسب و کارهای خرد در جهت اشتغالزایی و توزیع درآمد نقش قابل توجهی ایفا می کنند (فلنهورف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). متخصصان حوزه کسب و کار تأکید ویژه ای بر شناخت عناصر تاثیرگذار بر پایداری کسب و کار دارند و معمولاً در قالب مدل های مفهومی و توصیفی به شرایط پایدار سازی کسب و کار اشاره دارند. مدل پایداری سازی کسب و کار با ایجاد درک مشترک از منطق کسب و کار، امکان تجزیه و تحلیل، بهبود کسب و کار، ایجاد چشم انداز روشن موجب می شوند که شرکت ها با طرح ها و ایده های خود، زمینه ورود به بازار را فراهم آورده و در نتیجه امکان حفظ و ارتقا موقعیت شرکتشان در بازارهای داخلی و جهانی را فراهم نمایند (کوندوه و میشیما<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). در عصر حاضر کسب و کارها به طور فزایندهای با محیط های پویا و در حال تغییر مواجه اند و بنابراین مجبورند که خود را با تغییرات محیطی سازگار سازند. مشاهدات و مطالعات نشان می دهد که بسیاری از کسب و کارها نه تنها خلاق، نوآور و کارآفرین نیستند بلکه حتی در هماهنگی با تحولات و پیشرفت ها و تغییرات عصر حاضر نیز ناتوان مانده و اغلب با شیوه های ناکارآمد سنتی روند خود را ادامه می دهند و از سوی دیگر در محیط رقابتی بین الملل کسب و کارها به دنبال قدرت رقابتی اند تا بقا داشته باشند (خزایی پول و همکاران، ۱۳۹۰). مقوله کارآفرینی و کسب و کار در چند دهه اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاستگذاران را به خود جلب کرده است. یکی از دلایل اصلی تمرکز بر کارآفرینی، نیاز فزاینده جوامع برای بهره گیری از افرادی خلاق است که از طریق ایده های نوین و تبدیل این ایده ها به فعالیت های سودبخش، روند توسعه اقتصادی را تسریع کنند (ترکر و سلکاک، ۲۰۰۹). در کشورهایی که کارآفرینی و توسعه کسب و کار به میزان کمتری توجه شده، میزان رشد بیکاری در ایران ۱۵/۵ درصد و فارغ التحصیلان دانشگاهی ۱۸ درصد از جمعیت جویای کار را تشکیل می دهند (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰). سالانه ۲۷۰ هزار دانش آموز خسته دانشگاهی، خود را برای ورود به بازار کار آماده می کنند (رستمی و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین برای دستیابی به رشد اقتصادی و کاهش میزان بیکاری، تشویق افراد به کارآفرینی و آموزش نسل جدید کارآفرینان ضروری است (بالتز و همکاران، ۲۰۰۶). تأمین شغل و ایجاد فرصت های اشتغال همواره یکی از نیازهای اساسی جوامع بوده که همواره مستلزم سرمایه گذاری زیادی از طرف دولت و بخش خصوصی است. در این زمینه کسب و کارهای کوچک و به تبع آن اشتغال خرد با نیاز به

1. Fellnhofner

2. Kondoh &amp; Mishima

سرمایه حداقلی و مبتنی بر پتانسیل های کارآفرینی جامعه امکان استفاده مؤثر و فزاینده از منابع را فراهم می آورند و دولت ها را در نیل به اهداف ایجاد اشتغال و توسعه رفاه جامعه یاری می رسانند (فلنهور، ۲۰۱۷). در این بین مدارس کسب و کار با هدف توسعه و گسترش آمادگی استعدادها در جهت حضور در بازار کار ایجاد گردیده است. امروزه مدارس کسب و کار به آموزش مفاهیم مختلف در جهت تکامل افراد در جهت حضور در بازارهای شغلی و همچنین استخدام در مشاغل مختلف می پردازد (اوکونور، ۲۰۱۱).

یکی از راهکارهای جدید که در جهت رفع مشکلات اشتغال و کارآفرینی وجود دارد، ایجاد مدارس کسب و کار می باشد. خواسته های سازمان ها و شرکت های امروزی نشان می دهد که می بایستی آموزش های ترکیبی به افراد ارائه شود که شامل مهارت های اکتشافی می باشد که توانایی تحلیل افراد را بالا برد. این مساله تفکرات سنتی به آموزش در مدارس و دانشگاه ها را به چالش می کشاند (گلین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). امروزه مدارس کسب و کار به عنوان بزرگترین واحد دانشگاهی در سطح بسیاری از کشورها مطرح هستند و در بین رشته ها از بیشترین اقبال در بین دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی برخوردار هستند. این موفقیت موجب اهمیت و توجه بسیار زیاد به این حوزه شده است (آقامیری، ۱۳۹۲). شکل گیری مدارس کسب و کار در سطح جهان در حال افزایش می باشد و علاقه مندان زیادی در این مدارس در حال آموزش می باشند (لجونی<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). افراد حاضر در مدارس کسب و کار اطلاعاتی در خصوص مباحث مختلف از جمله حسابداری، مدیریت، رفتار سازمانی، اقتصاد و استراتژی را فرا می گیرند. هرچند در سال های اخیر برخی مباحث دیگر از جمله مدیریت ریسک، مدیریت ذینفعان، اخلاق و پایداری نیز در برخی مدارس کسب و کار آموزش داده شده است (میتروف<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۴).

مدارس کسب و کار با مهیا نمودن افراد جهت خوداشتغالی، کارآفرینی و استخدام در سازمان ها و شرکت ها سبب می گردد تا افراد از استعدادهای خود به نحوه مناسبی بهره گیرند (گلین و همکاران، ۲۰۱۴). در کنار تمامی پتانسیل های مدارس کسب و کار، ضعف هایی در خصوص مدارس کسب و کار وجود دارد که سبب گردیده است تا آینده این مدارس را به خطر بی اندازد (آقامیری، ۱۳۹۲). آرنند<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) نیز اشاره داشتند که مدارس کسب و کار در صورتی که به صورت ساختارمند و اصولی اجرا و مدیریت نگردد، سبب افزایش بی اخلاقی در جوامع می گردد. مدارس کسب و کار، با جذب استعدادها با قابلیت های بین المللی جهت تجاری سازی دانش در سطح جهان به فعالیت مشغول می گردند (رایزانوا<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). امروزه خطرات جدی مدارس کسب و کار را مواجه نموده است. عدم تطابق برنامه های درسی با نیازهای افراد و نگرش سنتی به این مدارس سبب می گردد تا کارایی مدنظر را نتوان از این

1. Glen  
2. Lejeune  
3. Mitroff  
4. Arend  
5. Ryazanova

مدارس داشت (میزنبرگ<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). فقدان مدارس کسب و کار در هر محیطی سبب می‌گردد تا توانایی‌های کارآفرینی و خلق دانش و محصول دچار مشکلات اساسی شود. از طرفی عدم توسعه مدارس کسب و کار سبب گردیده است تا امروزه برخی مفاهیم از جمله خلاقیت و کارآفرینی در حد حرف بماند و عملی در این حوزه انجام نگردد (امین آقامیری، ۱۳۹۲).

در جهت بهبود مدارس کسب و کار، تحقیقاتی به صورت پراکنده به انجام رسیده است. هویدا و همکاران (۱۳۹۷) اشاره داشتند که از جمله الزامات مدارس کارآفرین می‌توان به تقویت کارگروهی، چگونگی ارایه ایده‌ها، آموزش چگونگی تبدیل ایده‌ها به کسب و کار، آموزش مراحل تبدیل ایده‌های ذهنی به تجاری و آشنایی صاحبان ایده با بازار کسب و کار اشاره نمود. ویاننو<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۹) پس از بررسی‌های خود پی بردند که مدارس کارآفرینی و احداث آن یکی از مهمترین راهکارهای توسعه کارآفرینی می‌باشد. رودریگز و فرایلی<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) اشاره داشتند که در مسیر توسعه مدارس کسب و کار نیاز به همبستگی عمیق میان ارکان و سازمان‌های یک جامعه در جهت شکل‌گیری یک تلاش منظم می‌باشد. رانجیس و کولکارانی<sup>۴</sup> (۲۰۱۸) پس از بررسی‌های خود پی بردند که دانش و نوآوری از جمله مسائل مهم در جهت جلب رضایت دانشجویان در مورد روند آموزشی مدرسه کسب و کار در شهر مومبی می‌باشد. نجاتی و نیافرا (۱۳۹۷) پس از بررسی‌های خود پی بردند که ویژگی‌های استقلال، خودباوری، اعتماد به نفس، ریسک‌پذیری و خلاقیت از جمله ویژگی‌های مهم مدیریتی در جهت بهبود مدیران مدارس کارآفرین می‌باشد. نبود تحقیقات جامع در خصوص توسعه مدارس کسب و کار سبب گردیده است تا امروزه ابهامات اساسی در مسیر توسعه این مدارس ایجاد گردد. فقدان تحقیقات سبب گردیده است تا شاهد بی‌نظمی‌هایی در احداث و راه‌اندازی این مدارس وجود داشته باشد که نتیجه آن عدم کارآمدی این مدارس در دستیابی به اهداف خود می‌باشد (برینک، ۲۰۱۸).

یکی از حوزه‌های دارای ظرفیت جهت توسعه کسب و کار، ورزش می‌باشد. ورزش به علت برخورداری از پیچیدگی‌ها و حیطه‌های گسترده دارای پتانسیل‌های مهمی در حوزه کسب و کار دارند (راتن و جونز<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰). حوزه ورزش به علت برخورداری از مخاطبان گسترده همواره می‌تواند در حوزه کارآفرینی و کسب و کار رونق مطلوبی داشته باشد. امروزه کسب و کارهای ورزشی به عنوان یکی از درآمدزاترین حیطه‌های کسب و کار مشخص می‌باشد که این مساله در عرصه‌های بین‌المللی توانسته است تا منابع گسترده اقتصادی ایجاد نماید (راتن و تاج‌الدینی<sup>۶</sup>، ۲۰۲۰). این در حالی است که در کشور ایران از ظرفیت‌های کارآفرینی و کسب و کار حوزه ورزش استفاده لازم نشده است و شاهد توفیق گسترده و

1. Mintzberg

2. Winarno

3. Rodriguez & Fraile

4. Ranjith & Kulkarni

5. Ratten & Jones

6. Ratten & Tajeddini

جامع کسب و کارهای ورزشی در کشور ایران نبوده ایم. این مساله می تواند ناشی از خلا آموزش ها و مهارت ها در حوزه کسب و کار در ورزش باشد. به نظر می رسد این خلا سبب گردیده است تا ایجاد مدارس کسب و کار ورزشی بیش از پیش درک گردد. به صورتی که ایجاد مدارس کسب و کارهای ورزشی به عنوان یک فعالیت جدید می تواند آموزش های تخصصی در این خصوص ایجاد نماید و منجر به ایجاد دانش فنی در حوزه کسب و کارهای ورزشی گردد. به صورتی که ایجاد مدارس کسب و کار در ورزش می تواند به ارتقا استانداردهای کسب و کارهای ورزشی منجر گردد. از طرفی فقدان تحقیقات در این حوزه سبب گردیده است تا جهت بهبود و کارآمدی مدارس کسب و کار ورزشی اطلاعات کافی در دست نباشد و از طرفی فقدان تحقیقات در این حوزه سبب کاهش میزان ضرورت و توجه به توسعه مدارس کسب و کار ورزشی در کشور ایران شده است. به صورتی که امروزه مدارس کسب و کار در مسیر توسعه و بهبود قرار نگرفته اند و از کارآمدی شگرفی برخوردار نمی باشند. این مساله سبب گردیده است تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار ورزشی طراحی و اجرا گردد. از این رو سوال اصلی تحقیق حاضر این می باشد که عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار ورزشی چه می باشد؟

### روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از جمله تحقیقات آمیخته می باشد که به صورت روش های کیفی و کمی انجام گردید. تحقیق حاضر از جمله تحقیقات کاربردی می باشد که در مدارس کسب و کار در حوزه ورزش قابلیت اجرا دارد. روش گردآوری اطلاعات در تحقیق حاضر به صورت میدانی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر در بخش کیفی شامل متخصصان کارآفرینی و کسب و کار و همچنین مدیران و صاحبان نظرات حوزه آموزش و پرورش بودند. روش نمونه گیری در این بخش به صورت هدفمند بود. این نمونه گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. بر این اساس تعداد ۱۳ نفر به عنوان نمونه تحقیق در بخش کیفی مورد مصاحبه قرار گرفتند. همچنین جامعه آماری در بخش کمی شامل متخصصین کارآفرینی و کسب و کار، مدیران و صاحب نظران حوزه ای آموزش و پرورش و همچنین اساتید دانشگاهی مرتبط با حوزه کارآفرینی و آموزش و پرورش بود که تجربه و تخصص کافی در خصوص مدارس کسب و کار در حوزه ورزش و غیرورزش داشتند. بر اساس برآوردهای اولیه تعداد آنان شامل ۲۵۰ نفر بود. بر اساس جدول حجم نمونه مورگان، تعداد ۱۴۸ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. پس از توزیع و جمع آوری پرسشنامه ها تعداد ۱۳۵ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه گیری در بخش کمی به صورت تصادفی منظم بود. بدین صورت که پس از شناسایی گروه های مختلف شامل متخصصان آموزش و پرورش، متخصصان دانشگاهی و همچنین متخصصان حوزه کارآفرینی و کسب و کار نمونه گیری از هر دسته گروه با توجه به حجم جامعه انجام گردید. در جهت توزیع پرسشنامه‌ها از روش ارسال پرسشنامه به صورت حضوری، پست الکترونیک، فضای مجازی و همچنین حضور در مجامع و همایش های کسب و کاری ملی استفاده گردید.

ابزار گردآوری تحقیق حاضر در بخش کیفی، مصاحبه نیمه ساختاریافته می باشد. همچنین با توجه به مصاحبه های انجام شده، عواملی شناسایی گردید که این عوامل به عنوان ابزار گردآوری تحقیق در بخش

کمی استفاده گردید. این پرسشنامه به دو بخش کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سؤال‌های آن که به صورت پنج گزینه‌ای لیکرتی (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) و در ۳۵ سؤال بود، تقسیم گردید. این سوالات ملزومات استراتژیکی (سوال ۱ تا ۶)، زیرساخت‌های فنی (سوال ۷ تا ۱۲)، بسترهای مدیریتی (سوال ۱۳ تا ۱۸)، محتوای علمی و عملی (سوال ۱۹ تا ۲۳)، تسهیل قانونی (سوال ۲۴ تا ۲۶)، ویژگی‌های انگیزشی (سوال ۲۷ تا ۳۰) و حمایت‌های دولتی (سوال ۳۱ تا ۳۵) بود. پایایی این پرسشنامه با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ در تمامی مولفه‌ها و همچنین پرسشنامه کلی مورد تایید قرار گرفت. میزان پایایی کلی این پرسشنامه ۰/۸۵ مشخص گردید. پایایی مدل اندازه‌گیری بوسیله ضرایب بارهای عاملی و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار گرفت که اطلاعات مربوط به آن در بخش یافته‌های تحقیق ارائه گردید.

روایی محتوایی این پرسشنامه با استفاده از نظرات ۸ تن از اساتید دانشگاهی مورد بررسی قرار گرفت. این افراد خارج از نمونه‌های بخش کیفی بودند. همچنین در خصوص روایی محتوایی نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی شاخص روایی محتوا<sup>۱</sup> و نسبت روایی محتوا<sup>۲</sup> روایی و استفاده از فرمول‌های مربوط به این روش‌ها مورد تأیید قرار گرفت. مقدار نسبت روایی محتوا با توجه به تعداد اساتید (۸ نفر)، ۰/۹۹ و مقدار شاخص روایی محتوا ، ۰/۹۹ به دست آمد. بنابراین روایی محتوایی ابزار تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. همچنین روایی سازه پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده در قسمت پایایی و روایی پرسشنامه، می‌توان اعلام داشت که پرسشنامه تحقیق حاضر از پایایی و روایی مناسبی برخوردار بود. نتایج مربوط به روایی و پایایی تحقیق در جدول شماره ۴ به نمایش گذاشته شده است. همچنین در قسمت تجزیه و تحلیل کمی تحقیق، از روش مدلسازی معادله ساختاری با رویکرد پی‌ال‌اس<sup>۳</sup> استفاده شده است.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری تحقیق حاضر در جدول ۱ به نمایش گذاشته شده است.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی تحقیق

درصد	فراوانی	گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	بخش کیفی تحقیق
۶۱/۵	۸	مرد	جنسیت	
۳۸/۵	۵	زن		
۶۹/۲	۹	دکتری	سطح تحصیلات	
۳۰/۸	۴	کارشناسی ارشد		
۷۶/۹	۱۰	تربیت بدنی	رشته تحصیلی	

1. CVI

2. CVR

3. PLS

۲۳/۱	۳	غیر تربیت بدنی	جنسیت	بخش کمی تحقیق
۷۶/۳	۱۰۳	مرد		
۲۳/۷	۳۲	زن		
۵۰/۴	۶۸	دکتری	سطح تحصیلات	
۳۳/۳	۴۵	کارشناسی ارشد		
۱۶/۳	۲۲	کارشناسی		
۶۳/۰	۸۵	تربیت بدنی	رشته تحصیلی	
۳۷/۰	۵۰	غیر تربیت بدنی		

نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که نمونه‌های بخش کیفی تحقیق شامل ۶۱/۵٪ مرد و ۳۸/۵٪ زن بودند. همچنین از این میان نمونه‌های تحقیق افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری با ۶۹/۲٪ بیشترین تعداد را دارا می‌باشند. همچنین از میان نمونه‌های تحقیق بخش کیفی ۷۶/۹ درصد دارای رشته تحصیلی تربیت بدنی و ۲۳/۱ درصد دارای رشته تحصیلی غیر تربیت بدنی بودند. نتایج توصیفی مربوط به وضعیت جنسیت نمونه تحقیق در بخش کمی حاضر نشان داد که ۷۶/۳٪ از افراد شرکت کننده در تحقیق مردان و ۲۳/۷٪ زنان می‌باشند. نتایج یافته‌های توصیفی تحقیق همچنین نشان داد که از میان نمونه‌های تحقیق، افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری با ۵۰/۴٪ بیشترین تعداد را دارا می‌باشند. نتایج تحقیق همچنین نشان داد که در میان نمونه‌های تحقیق ۶۳ درصد دارای رشته تحصیلی تربیت بدنی و ۳۷ درصد دارای رشته غیر تربیت بدنی بودند. به منظور شناسایی بررسی عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش از بررسی نظرات خبرگان در قالب روش کیفی استفاده گردید. پس از انجام کدگذاری‌ها، ویژگی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها مشخص گردید. جدول ۲، نتایج کیفی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.

## جدول ۲: کدگذاری باز و محوری

مقوله‌ها	ویژگی‌های استخراج شده
ملزومات استراتژیکی	۱. وجود برنامه‌های کوتاه مدت و بلند مدت در جهت توسعه مدارس کسب و کار
	۲. ایجاد تشکل‌ها در جهت بهبود فعالیت‌های مربوط به مدارس کسب و کار
	۳. ایجاد تصمیم‌گیری‌های مشارکتی جهت بهبود فرایندهای مربوط به مدارس کسب و کار
	۴. ارتقا همکاری‌های بین‌سازمانی جهت توسعه مدارس کسب و کار
	۵. همراستایی اهداف مدارس کسب و کار با اهداف شغلی و کارآفرینی کشور
	۶. کمی نمودن اهداف مدارس کسب و کار



مقوله ها	ویژگی های استخراج شده
زیرساخت های فنی	<p>۷. توسعه زیرساخت های فناوری در مناطق احداق مدارس کسب و کار</p> <p>۸. ایجاد امکانات و جایگاه مناسب جهت تبلیغات محیطی جهت نمایش فعالیت های مربوط به مدارس کسب و کار</p> <p>۹. بهبود دانش فنی در خصوص کسب و کار در میان متولیان مدارس کسب و کار</p> <p>۱۰. ارتقا مهارت کارکنان و مدیران مدارس کسب و کار جهت عملی نمودن اهداف خود</p> <p>۱۱. وجود رویه ها و برنامه های نظارتی بر مدارس کسب و کار</p> <p>۱۲. ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص کسب و کار جهت تحلیل و بررسی های دقیق تر</p>
بسترهای مدیریتی	<p>۱۳. ارتقا دانش و آگاهی مدیران ارشد کشور در خصوص کارکردهای مدارس کسب و کار</p> <p>۱۴. جذب و توانمندسازی نیروی انسانی کارآمد در خصوص مدارس کسب و کار</p> <p>۱۵. تعیین دقیق محتوای فعالیتی و عملکردی مدارس کسب و کار</p> <p>۱۶. ایجاد ارتباطات بین المللی جهت توسعه فعالیت های مدارس کسب و کار</p> <p>۱۷. ایجاد شفافیت در خصوص اهداف مدنظر از ایجاد مدارس کسب و کار</p> <p>۱۸. تمرکز اهداف مدارس کسب و کار بر حل مسائل و مشکلات کشوری</p>
محتوای علمی و عملی	<p>۱۹. ارتقا سطح کیفی محتوای علمی و عملی مدارس کسب و کار</p> <p>۲۰. بهبود جایگاه کسب و کار در کشور ایران</p> <p>۲۱. حمایت مدارس کسب و کار از انجام فعالیت های عملی متقاضیان</p> <p>۲۲. مشخص نمودن بسترهای کاری و تجاری در عرصه صنعت توسط مدارس کسب و کار</p> <p>۲۳. انتطابق آموزش های انجام شده در مدارس کسب و کار با نیازهای واقعی جامعه</p>
تسهیل قانون	<p>۲۴. منعطف نمودن قوانین مربوط مدارس کسب و کار جهت گسترش دامنه فعالیت آنان</p> <p>۲۵. افزایش انعطاف پذیری قوانین مدارس کسب و کار در مقابل با تغییرات محیطی</p> <p>۲۶. وجود قوانین شفاف در خصوص حمایت از مدارس کسب و کار</p>
ویژگی های انگیزشی	<p>۲۷. امکان انتقال دانش از مدارس کسب و کار به عرصه صنعت</p> <p>۲۸. استفاده از متخصصان خبره عرصه کسب و کار در مدارس کسب و کار</p> <p>۲۹. ایجاد حمایت های مالی و تسهیلاتی به شرکت کنندگان برنامه های مدارس کسب و کار</p> <p>۳۰. هدف گذاری مناسب برای متقاضیان در مدارس کسب و کار متناسب با ویژگی ها و مهارت های آنان</p>

مقوله ها	ویژگی های استخراج شده
حمایت های دولتی	۳۱. افزایش حمایت های مالی و تسهیلاتی از متولیان مدارس کسب و کار ۳۲. برخورد قاطع دولت با متخلفان و مدارس غیرقانونی کسب و کار ۳۳. برگزاری نشست ها و همایش ها جهت توسعه فعالیت های مدارس کسب و کار در سطح عالی مدیریتی کشور ۳۴. تنظیم آیین نامه های مقرراتی و حمایتی از مدارس کسب و کار ۳۵. استفاده دولت از نیروهای تربیت شده مدارس کسب و کار در برخی فعالیت ها و پروژه های ملی کشور

نتایج کیفی تحقیق نشان داد که ۳۵ ویژگی از طریق مصاحبه های انجام شده استخراج گردید که این ویژگی ها در ۷ دسته نیاز شامل ملزومات استراتژیکی، زیرساخت های فنی، بسترهای مدیریتی، محتوای علمی و عملی، تسهیل قانون، ویژگی های انگیزشی و حمایت های دولتی دسته بندی گردیدند. شکل شماره یک کدگذاری انتخابی عوامل شناسایی شده را نشان می دهد.



شکل ۱: کدگذاری انتخابی

به منظور بررسی روایی سازه ابزار تحقیق از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی استفاده گردید. به منظور پی بردن به کفایت نمونه برداری در تحلیل عاملی از آزمون کیزر - می یر - الکین استفاده شد. نتایج نشان داد شاخص آزمون کیزر - می یر - الکین برابر ۰/۹۸۰ می باشد و با توجه به اینکه هر اندازه مقدار این شاخص نزدیک به یک باشد نشان دهنده مقدار بالای مناسب بودن نمونه گیری می باشد و

پس نتیجه گرفته می شود که داده های مورد نظر برای تحلیل عاملی مناسب است. به منظور پی بردن به همبستگی گویه های مورد مطالعه از آزمون بارتلت استفاده شد. نتایج آزمون بارتلت نشان می دهد با توجه به کوچک بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ بنابراین فرض شناخته بودن ماتریس همبستگی رد می شود. بنابراین با این توضیح مشخص شد که کاملاً انجام تحلیل عاملی برای داده های این تحقیق مناسب می باشد. شناسایی گویه های مربوط به هر عامل در روش بدون چرخش ساده نیست بدین منظور از روش واریماکس عامل ها را می چرخانیم تا قابلیت تفسر آنها بیشتر شود. جدول شماره ۳ عوامل و گویه های تحقیق به همراه بار عاملی آنها با چرخش را نشان می دهد.

جدول شماره ۳: بارهای عاملی هریک از گویه ها در عامل های باقی مانده با چرخش

ابعاد							گویه ها
حمایت های دولتی	ویژگی های انگیزشی	تسهیل قانون	محتوای علمی و عملی	بسترهای مدیریتی	زیرساخت های فنی	ملزومات استراتژیک	
						۰/۷۵۴	وجود برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت در جهت توسعه مدارس کسب و کار
						۰/۷۴۱	ایجاد تشکل ها در جهت بهبود فعالیت های مربوط به مدارس کسب و کار
						۰/۷۲۴	ایجاد تصمیم گیری های مشارکتی جهت بهبود فرایندهای مربوط به مدارس کسب و کار
						۰/۷۴۵	ارتقا همکاری های بین سازمانی جهت توسعه مدارس کسب و کار
						۰/۶۲۴	همراستایی اهداف مدارس کسب و کار با اهداف شغلی و کارآفرینی کشور
						۰/۵۷۸	کمی نمودن اهداف مدارس کسب و کار
					۰/۶۷۷		توسعه زیرساخت های فناوری در مناطق احداق مدارس کسب و کار
					۰/۶۲۸		ایجاد امکانات و جایگاه مناسب جهت تبلیغات محیطی جهت نمایش فعالیت های مربوط به مدارس کسب و کار
					۰/۷۴۰		بهبود دانش فنی در خصوص کسب و کار در میان متولیان مدارس کسب و کار
					۰/۸۸۹		ارتقا مهارت کارکنان و مدیران مدارس

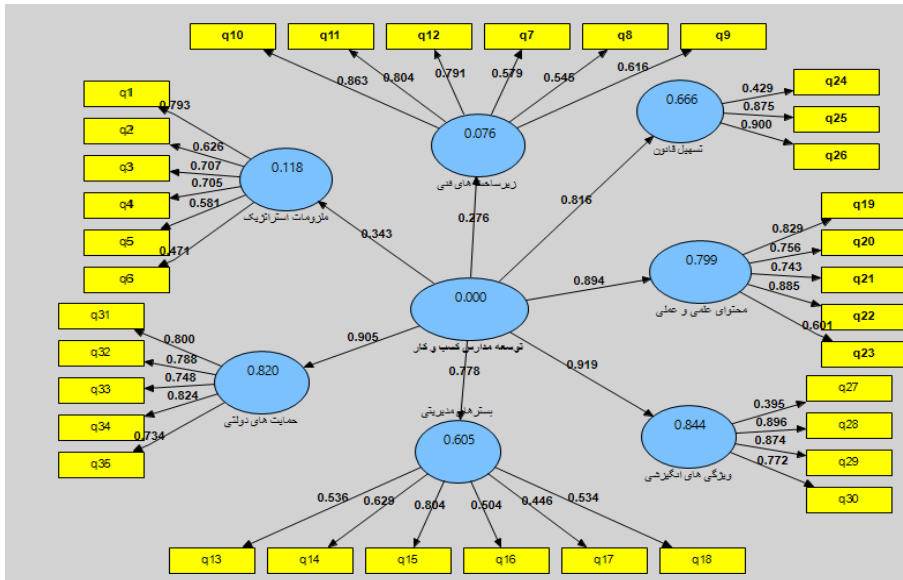
						کسب و کار جهت عملی نمودن اهداف خود
					۰/۸۴۷	وجود رویه ها و برنامه های نظارتی بر مدارس کسب و کار
					۰/۸۳۷	ایجاد بانک اطلاعاتی در خصوص کسب و کار جهت تحلیل و بررسی های دقیق تر
				۰/۶۴۲		ارتقا دانش و آگاهی مدیران ارشد کشور در خصوص کارکردهای مدارس کسب و کار
				۰/۷۴۵		جذب و توانمندسازی نیروی انسانی کارآمد در خصوص مدارس کسب و کار
				۰/۸۵۷		تعیین دقیق محتوای فعالیتی و عملکردی مدارس کسب و کار
				۰/۶۲۴		ایجاد ارتباطات بین المللی جهت توسعه فعالیت های مدارس کسب و کار
				۰/۵۵۸		ایجاد شفافیت در خصوص اهداف مدنظر از ایجاد مدارس کسب و کار
				۰/۶۹۸		تمرکز اهداف مدارس کسب و کار بر حل مسائل و مشکلات کشوری
				۰/۸۵۴		ارتقا سطح کیفی محتوای علمی و عملی مدارس کسب و کار
				۰/۸۰۱		بهبود جایگاه کسب و کار در کشور ایران
				۰/۸۱۴		حمایت مدارس کسب و کار از انجام فعالیت های عملی متقاضیان
				۰/۸۹۶		مشخص نمودن بسترهای کاری و تجاری در عرصه صنعت توسط مدارس کسب و کار
				۰/۷۴۱		انتطباق آموزش های انجام شده در مدارس کسب و کار با نیازهای واقعی جامعه
			۰/۵۵۷			منعطف نمودن قوانین مربوط مدارس کسب و کار جهت گسترش دامنه فعالیت آنان
			۰/۸۹۶			افزایش انعطاف پذیری قوانین مدارس کسب و کار در مقابل با تغییرات

							محیطی
		۰/۹۱۲					وجود قوانین شفاف در خصوص حمایت از مدارس کسب و کار
	۰/۴۷۵						امکان انتقال دانش از مدارس کسب و کار به عرصه صنعت
	۰/۹۱۱						استفاده از متخصصان خبره عرصه کسب و کار در مدارس کسب و کار
	۰/۸۹۶						ایجاد حمایت های مالی و تسهیلاتی به شرکت کنندگان برنامه های مدارس کسب و کار
	۰/۷۹۴						هدف گذاری مناسب برای متقاضیان در مدارس کسب و کار متناسب با ویژگی ها و مهارت های آنان
۰/۸۵۲							افزایش حمایت های مالی و تسهیلاتی از متولیان مدارس کسب و کار
۰/۹۱۷							برخورد قاطع دولت با متخلفان و مدارس غیرقانونی کسب و کار
۰/۸۹۶							برگزاری نشست ها و همایش ها جهت توسعه فعالیت های مدارس کسب و کار در سطح عالی مدیریتی کشور
۰/۸۹۹							تنظیم آیین نامه های مقرراتی و حمایتی از مدارس کسب و کار
۰/۸۲۴							استفاده دولت از نیروهای تربیت شده مدارس کسب و کار در برخی فعالیت ها و پروژه های ملی کشور

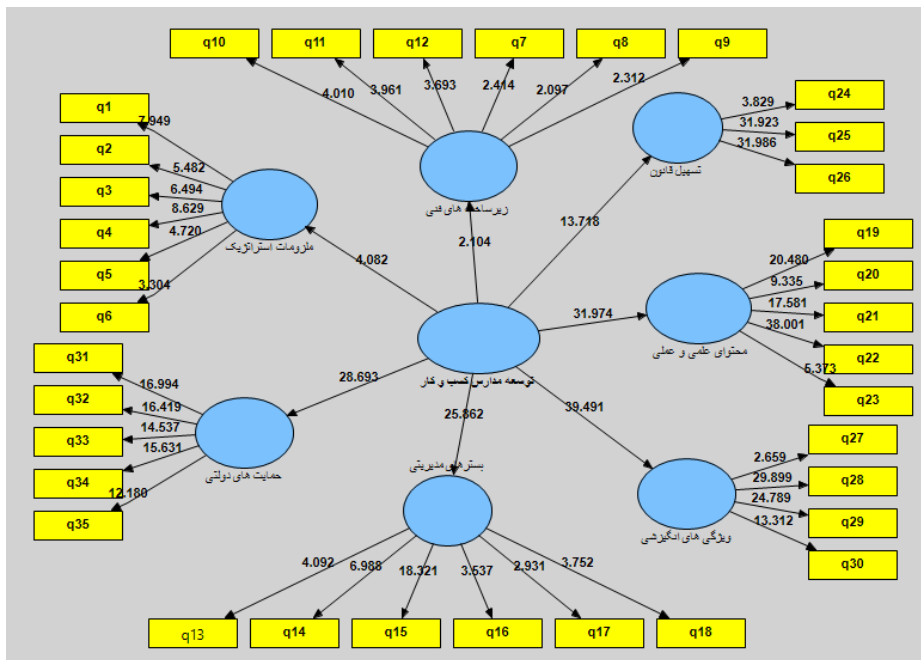
در روش تحلیل عاملی پس از چرخش واریماکس هر باری که مقدار بالاتری در هر دسته عامل را دارا باشد متعلق به آن عامل می باشد. همان طور که جدول بالا نشان می دهد بار عاملی مربوط به هر عامل مشخص گردیده است. همچنین شکل شماره ۲ و ۳ نتایج تحلیل عاملی تاییدی مربوط به بارهای عاملی و ضرایب تی را نشان می دهد.

به منظور بررسی این عوامل در بخش کمی از معادلات ساختاری انجام گردید. از این رو ابتدا از آزمون کولموگراف اسمیرنوف به بررسی وضعیت طبیعی بودن توزیع داده های تحقیق پرداخته شد. نتایج آزمون فوق نشان داد که میزان سطح معناداری در تمامی عوامل پایین از ۰/۰۵ بود که این خود نشان دهنده غیرطبیعی بودن داده های تحقیق می باشد و بدین منظور جهت تجزیه و تحلیل داده های تحقیق حاضر

از آمار ناپارامتریک استفاده گردید. شکل ۲ و ۳ مدل اندازه گیری و میزان ضرایب معنی داری تی، عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش را نشان می دهد.



مطالعه عوامل مؤثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش



شکل ۳: ضرایب معنا داری T نیازهای مربوط عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش

جدول ۴ جمع بندی از مدل های اندازه گیری و ضرایب معنی داری تی نیازهای مربوط عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش را به نمایش گذاشته است.

جدول ۴. خلاصه نتایج آماری نیازهای مربوط عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش

تاثیر	T	مولفه ها
۰/۳۶۵	۴/۰۸۲	ملزومات استراتژیکی
۰/۲۸۱	۲/۱۰۴	زیرساخت های فنی
۰/۷۸۳	۲۵/۸۶۲	بسترهای مدیریتی
۰/۸۹۳	۳۱/۹۷۴	محتوای علمی و عملی
۰/۸۱۳	۱۳/۷۱۸	تسهیل قانون
۰/۹۱۷	۳۹/۴۹۱	ویژگی های انگیزشی
۰/۹۰۴	۲۸/۶۹۳	حمایت های دولتی

نتایج تحقیق نشان داد که در میان عوامل شناسایی شده جهت توسعه مدارس کسب و کار، ویژگی های انگیزشی با میزان تاثیر ۰/۹۱۷ مهمترین نیاز مشخص گردیده است. همچنین نتایج تحقیق حاضر مشخص نمودند که حمایت های دولتی با میزان تاثیر ۰/۹۰۴ و همچنین محتوای علمی و عملی با میزان تاثیر ۰/۸۹۳ از جمله سایر عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار می باشد. به منظور بررسی بزارش مدل تحقیق حاضر از شاخص های بزارش مربوط روش معادلات ساختاری با رویکرد پی ال اس استفاده گردید. جدول ۵ نتایج مربوط به شاخص های بزارش مدل فوق را نشان می دهد.

جدول ۵. شاخص های بزارش عوامل موثر بر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش

حمایت های دولتی	ویژگی های انگیزشی	تسهیل قانون	محتوای علمی و عملی	بسترهای مدیریتی	زیرساخت های فنی	ملزومات استراتژیکی استراتژیک	
۰/۸۳	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۸۱	۰/۸۳	آلفای کرونباخ
۰/۸۸	۰/۸۳	۰/۷۹	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۸۵	۰/۸۱	پایایی ترکیبی
۰/۶۰	۰/۵۷	۰/۶۲	۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۵۰	۰/۴۳	روایی همگرا
۰/۸۱	۰/۸۴	۰/۶۶	۰/۷۹	۰/۶۱	۰/۰۷	۰/۱۳	R <sup>2</sup>
۰/۶۰	۰/۷۳	۰/۵۸	۰/۷۵	۰/۳۵	۰/۷۶	۰/۵۷	Communality

۰/۶۹	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۷۶	۰/۴۶	۰/۲۳	۰/۲۷	GOF
------	------	------	------	------	------	------	-----

نتایج مربوط به شاخص های برازش تحقیق نشان داد که مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیر ها در هر شش متغیر، بالاتر از ۰/۷ می باشد که حاکی از پایایی مناسب مدل دارد. همچنین نتایج تحقیق م شخص نمود که میزان روایی همگرا برای تمامی عوامل بالاتر از سطح معیار ۰/۴ می باشد که نشان دهنده مناسب بودن میزان روایی همگرا تحقیق می باشد. همچنین روایی واگرا در تحقیق حاضر نیز در قالب ماتریس عوامل در عوامل، مورد بررسی و تایید قرار گرفت. همچنین مطابق با شکل شماره ۱ تمامی بارهای عاملی مربوط به عوامل تحقیق، بیش از ۰/۴ می باشد که نشان دهنده مناسب بودن این معیار می باشد.

با توجه به سه مقدار ۰،۱۹، ۰،۳۳ و ۰،۶۷ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای R2 معرفی شده است و در همه عوامل، مقدار بیشتر از ۰،۳۳ به دست آمد که نشان از مناسب بودن این شاخص دارد. با توجه به سه مقدار ۰،۰۲، ۰،۱۵ و ۰،۳۲ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای Commuality معرفی شده است و در همه عوامل، مقدار بیشتر از ۰،۳۶ به دست آمد که نشان از مناسب بودن این شاخص دارد. با توجه به سه مقدار ۰،۰۱، ۰،۲۵ و ۰،۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است و در همه عوامل، در سطح مطلوبی به دست آمد که نشان از برازش مناسب مدل دارد. با این توجه مشخص گردید که مدل ارائه شده در تحقیق حاضر، از برازش مناسبی برخوردار می باشد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان داد که توسعه مدارس کسب و کار، نیاز به بهبود و برنامه ریزی در خصوص عواملی از جمله ملزومات استراتژیکی، زیرساخت های فنی، بسترهای مدیریتی، محتوای علمی و عملی، تسهیل قانون، ویژگی های انگیزشی و حمایت های دولتی می باشد. عوامل شناسایی شده بازگو کننده این مهم می باشد که در مسیر بهبود و توسعه مدارس کسب و کار نیاز است تا شرایط و ویژگی های مختلف و متنوعی را مدنظر قرار داد. بدین صورت جهت بهبود و گسترش مدارس کسب و کار ارتقا برخی جنبه های انگیزشی، فرهنگی، محتوایی، فنی، مدیریتی و مالی به خوبی درک می گردد. ففر و فونگ (۲۰۰۴) اشاره داشتند که توسعه مدارس کسب و کار نیازمند توجه به جنبه های مختلفی می باشد و این مساله فعالیت مدیران جهت بهبود مدارس کسب و کار را کمی دشوار می نماید. به نظر می رسد جهت بهبود و گسترش مدارس کسب و کار نیازمند تفکرات عمیق در این خصوص می باشد و نیاز است تا از برنامه های کلی چشم پوشی نمود و شرایط جهت بهبود جنبه های مختلفی از این مدارس را ایجاد نمود.

نتایج تحقیق حاضر مشخص نمود که ویژگی های انگیزشی به عنوان مهمترین عامل در جهت توسعه مدارس کسب و کار در ورزش می باشد. ویژگی های انگیزشی به عنوان ضروریات ایجاد یک حرکت در هر محیطی مشخص می باشد. از این رو جهت توسعه مدارس کسب و کار، ویژگی های انگیزشی نقش



تحریکی در این حوزه را خواهد داشت. لجونی و همکاران (۲۰۱۸) مشخص نمودند که ایجاد مدارس کسب و کار نیاز به تقویت برخی نیروهای انگیزشی می باشد. به نظر می رسد فقدان دغدغه در خصوص مدارس کسب و کار و عدم توسعه آن در فضای فعلی کشور ایران سبب گردیده است تا مدارس کسب و کار از اولویت مهمی در سطح کلان کشور برخوردار نباشند. این مساله منجر به این مهم شده است که بهبود و توسعه مدارس کسب و کار در ورزش نیازمند برخی جریانات انگیزشی جهت ایجاد جرقه هایی جهت شکل گیری مدارس کسب و کار دارد. به عبارتی فقدان آگاهی در خصوص ضروریات مدارس کسب و کار در ورزش جهت برون رفت از مشکلات فعلی اشتغال و اقتصاد در کشور ایران، سبب گردیده است تا نیازمند برخی ویژگی های انگیزشی جهت بهبود و گسترش این مدارس باشد.

تحقیق حاضر همچنین مشخص نمود که حمایت های دولتی و همچنین محتوای علمی و عملی از دیگر عوامل مهم در جهت توسعه مدارس کسب و کار در ورزش می باشد. حمایت های دولتی به واسطه رفع مشکلات فعلی مدارس کسب و کار و ایجاد بستری مناسب جهت توسعه این مدارس، می تواند نقش مهمی در جهت دستیابی این مدارس به اهداف خود داشته باشد. برینک (۲۰۱۸) در تحقیق خود مشخص نمود که بهبود و گسترش مدارس کسب و کار نیازمند حمایت های دولتی می باشد. به نظر می رسد حمایت های دولتی سبب می گردد تا فرایند شکل گیری و ایجاد مدارس کسب و کار کوتاه شود و مشکلات حقوقی، قانونی، مالی و زیرساختی؛ این مدارس را تهدید نکنند. به عبارتی افزایش حمایت های دولتی از مدارس کسب و کار می تواند خود تضمینی بر موفقیت این مدارس در بهبود معضلات در خصوص اشتغال، کارآفرینی و کسب و کار در کشور ایران گردد.

از طرفی محتوای علمی و عملی به عنوان یک راهنما در مسیر توسعه مدارس کسب و کار در ورزش می تواند به تقویت ماهیت این مدارس و آموزش های شکل گرفته شده منجر گردد. به عبارتی محتوای علمی و عملی یکی از مسائل مهم در مسیر توسعه مدارس کسب و کار می باشد که سبب بهبود کیفیت آموزش ها و فعالیت های اجرا گرفته شده در مدارس کسب و کار می گردد. رانجیس و کولکارانی (۲۰۱۸) مشخص نمودند که متناسب سازی آموزش ها با نیازهای روز جامعه یکی از مسائل مهم در مسیر بهبود کسب و کارها می گردد. به نظر می رسد ضعف های عمده بر چارچوب های آموزشی مدارس کسب و کار و عدم تطبیق این آموزش ها با تغییرات و نیازهای روز جامعه سبب گردیده است تا مدارس کسب و کار، نیاز مبرم به تقویت برخی جنبه های علمی و عملی خود داشته باشند.

توسعه مدارس کسب و کار به عنوان یکی از مسائل مهم در رفع معضلات مربوط به اشتغال، اقتصاد، کارآفرینی و کسب و کار مشخص می باشد. کارکردهای مدارس کسب و کار در ورزش در آموزش و پرورش استعدادها سبب گردیده است تا از آن در کشورهای پیشرفته استفاده لازم برده شود. این مساله سبب گردیده است تا نیاز به توسعه مدارس کسب و کار در کشور ایران بهبود یابد. جهت بهبود و توسعه این مدارس پیشنهاد می گردد تا با همراستایی اهداف مدارس کسب و کار با اهداف شغلی و کارآفرینی کشور و همچنین هدف گذاری مناسب برای متقاضیان در مدارس کسب و کار متناسب با ویژگی ها و مهارت های آنان به شکل گیری اهداف عالی در این مدارس و متقاضیان اقدام نمود. همچنین پیشنهاد

می‌گردد تا ارتقا همکاری‌های بین‌سازمانی جهت توسعه مدارس کسب و کار از ظرفیت‌های موجود ملی جهت توسعه این مدارس استفاده لازم را برد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا تنظیم آیین‌نامه‌های مقرراتی و حمایتی از مدارس کسب و کار و برخورد قاطع دولت با متخلفان و مدارس غیرقانونی کسب و کار به متناسب‌سازی فضای ملی جهت توسعه این مدارس اقدام نمود. همچنین با توجه به نتایج تحقیق حاضر پیشنهاد می‌گردد تا با مشخص نمودن بسترهای کاری و تجاری در عرصه صنعت توسط مدارس کسب و کار و همچنین انتطابق آموزش‌های انجام شده در مدارس کسب و کار با نیازهای واقعی جامعه اقدام نمود.

### منابع

- آقامیری، م. (۱۳۹۲). انتقادات وارد بر مدارس کسب و کار، مرور ادبیات و تجربیات، یازدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، تهران، گروه پژوهشی صنعتی آریانا.
- احسانی فر، ت؛ رستمی، ف؛ نادری، ن؛ خوش‌خوی، ش؛ (۱۳۹۶). بررسی شاخص‌های پایداری در فعالیت‌های کارآفرینانه کشاورزی، نشریه کارآفرینی در کشاورزی، ۱۴(۱)، ۳۶-۱۹.
- خبرگزاری مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۰). نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی بالاتر از ۱۸ درصد است. قابل‌بازیابی از طریق [/news/fa/ir.icana://h170588](http://news/fa/ir.icana://h170588)
- خزایی پول، م؛ زارعی، ه؛ زرنگاریان، ی؛ بهمنی، ن. (۱۳۹۰). بررسی تاثیرات نوآوری در بین‌المللی کردن کسب و کارهای کوچک و متوسط، دومین همایش ملی مدیریت پژوهش و فناوری، تهران، پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت
- رستمی، ف، گراوندی، ش، زرافشانی، ک. (۱۳۹۰). پدیدارشناسی تجربیات دانشجویان در تأسیس کسب و کار: مورد مطالعه دانشجویان پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی کرمانشاه، فصلنامه توسط کارآفرینی، ۱۴: ۱۰۶-۸۷.
- نجاتی چغاسعیدی، ف؛ مهدی‌نیا، ج. (۱۳۹۷). الگوی مناسب پیشرفت مدیریتی برای مدیران مدارس کارآفرین، نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین (رویکردها، نظریه‌ها، ابعاد و تجارت کاربردی از کشورهای موفق)، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) - انجمن مدیریت آموزشی ایران شعبه استان اصفهان.
- هویدا، ر؛ غفوری، خ؛ دولتی، ع. (۱۳۹۷). کارآفرینی، مدرسه کارآفرین، الزامات مدرسه کارآفرین، نخستین کنفرانس ملی مدارس کارآفرین (رویکردها، نظریه‌ها، ابعاد و تجارت کاربردی از کشورهای موفق)، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) - انجمن مدیریت آموزشی ایران شعبه استان اصفهان - مجتمع آموزشی کارآفرینی اندیشه و با همکاری برخی نهادها و دانشگاه‌های معتبر کشور و حمایت کامل علمی انجمن مدیریت.
- Arend, R. J. (2018). The Unethical Monetization of Business Schools (and What We Can Do About It). *Journal of Management Inquiry*, 27(1), 96-100.
- Audretsch, D.B. (2002). *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European-US Comparison*, Boston: Kluwer Academic.

- Baltes, P.B., Lindenberger, U. and Staudinger, U. (2006). "Life span theory in developmental psychology". In: Lerner, R.M. (Ed.), *Handbook of Child Psychology: Vol. 1. Theoretical Models of Human Development*, pp. 569- 664, Hoboken, NJ: Wiley.
- Brink, K. E., Palmer, T. B., & Costigan, R. D. (2018). Business school learning goals: Alignment with evidence-based models and accreditation standards. *Journal of Management & Organization*, 24(4), 474-491.
- Fellnhofner, K. (2017). Drivers of innovation success in sustainable businesses. *Journal of Cleaner Production*, 167, 1534-1545.
- Glen, R., Suci, C., & Baughn, C. (2014). The need for design thinking in business schools. *Academy of Management Learning & Education*, 13(4), 653-667.
- Kondoh, S., & Mishima, N. (2011). Proposal of cause-effect pattern library for realizing sustainable businesses. *CIRP Annals-Manufacturing Technology*, 60(1), 33-36.
- Lejeune, C., Starkey, K., Kalika, M., & Tempest, S. (2018). The impact of business schools: increasing the range of strategic choices. *Management International*.
- Mintzberg, H. (2009). *Managing*. San Francisco, CA: Berrett-Koehler.
- Mitroff, I., Alpaslan, C. M., & O'Connor, E. (2014). *Everybody's business: Reclaiming true management skills in business higher education*. New York, NY: Palgrave MacMillan
- O'Connor, E. S. (2011). *Creating new knowledge in management, appropriating the field's lost foundations*. Palo Alto: Stanford Business Books
- Pfeffer, J., & Fong, C. T. (2004). The business school 'business': Some lessons from the US experience. *Journal of management studies*, 41(8), 1501-1520.
- Ranjith, P. V., & Kulkarni, S. (2018). Student's perception and satisfaction about teaching learning process of a business school in the city of mumbai. *indian journal of applied research*, 8(4).
- Ratten, V., & Jones, P. (2020). New challenges in sport entrepreneurship for value creation. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16(3), 961-980.
- Ratten, V., & Tajeddini, K. (2019). Entrepreneurship and sport business research: synthesis and lessons: introduction to the special journal issue. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 19(1/2), 1-7.
- rod ríguez, m. a., & fraile, a. e. b. (2018). Embedding corporate social responsibility within business school programs, policies, procedures, and practice. *Academic social responsibility: sine qua non for corporate social performance*, 51.

- Ryazanova, O., McNamara, P., & Aguinis, H. (2017). Research performance as a quality signal in international labor markets: Visibility of business schools worldwide through a global research performance system. *Journal of World Business*, 52(6), 831-841.
- Turker, D. and Selcuk, S.S. (2009). "Which factors affect entrepreneurial intention of university students"? *Journal of European Industrial Training*, 33(2): 142-159.
- Winarno, A., Wijijayanti, T., Agustina, Y., Churiyah, M., & Basuki, A. (2019). Integration of vocational school and small-medium enterprises (smes) learning: an effort of elevating entrepreneurship spirit based on strength and weakness in east java. *Academy of Entrepreneurship Journal*, 25(1).